

ارزیابی شیوه های سنتی و نوین جبران خسارات در قراردادهای بیمه از منظر حقوق خصوصی

غلامرضا جاهدماه

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، موسسه غیر دولتی و غیر انتفاعی آپادانا

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارزیابی شیوه های سنتی و نوین جبران خسارات در قراردادهای بیمه از منظر حقوق خصوصی انجام شده است. روش اجرای پژوهش توصیفی و اسنادی می باشد یافته ها نشان دادند یکی از مهمترین اصول حاکم بر پرداخت خسارت در نظام های حقوقی، اصل جبرانی بودن پرداخت خسارت است. به موجب این اصل، که هم درحوزه حقوق قراردادهای و هم درحوزه حقوق مسئولیت مدنی به کار می رود، پرداخت خسارت به منظور جبران زیان هایی است که به خواهان وارد گردیده، نه به روش سنتی تنبیه طرف ناقض یا محروم کردن وی از سودی که از نقض قرارداد کسب کرده است. این اصل کارکردهای متعددی دارد که از جمله آنها تعیین نوع خسارت هایی که طرف زیان دیده می تواند دریافت کند و نیز محدود کردن آنها است. بر کارکرد اخیر آثار متعددی مترتب می شود که از جمله آنها می توان این موارد را نام برد: خواهان باید متحمل زیان شده باشد؛ پرداخت خسارت باید مبتنی بر زیان خواهان باشد و نه بر سود خوانده؛ خسارت نباید از زیان تجاوز کند؛ و پرداخت خسارت جنبه تنبیهی ندارد. اصل مورد بحث با چالش هایی مواجه گردیده، اما هیچ یک از آنها نتوانسته است اعتبار آن را با مشکل جدی مواجه کند.

واژه های کلیدی: شیوه های سنتی و نوین، جبران خسارات، قراردادهای بیمه، حقوق خصوصی

مقدمه

یکی از الزامات ایجاد تحول در بازار بیمه کشور، ورود طرح‌های نوین به این عرصه است. اتفاقی که بدون شک می‌تواند با ایجاد تنوع در بیمه کردن، نیازهای متفاوت جامعه را پاسخ دهد. در حالی مسئولان بخش بیمه در کشور به استفاده از ابزارها و طرح‌های نوین در عرصه بیمه اذعان می‌کنند که حوزه بیمه در ایران همچنان در بیشتر موارد دارای شیوه اداره و ارائه سنتی است. تلاش برای رسیدن به این مهم در ایران از سوی بخش خصوصی و دولتی در جریان است (سیفی قره یثاق، ۱۳۹۴: ۴۵). عصر دیجیتال جایگزین شیوه‌های سنتی شده و کسب و کارهایی که این مقوله را در راهبرد بازاریابی خود لحاظ نکنند، از غافله عقب خواهند ماند. (مالداربادلی، ۱۳۹۹: ۱۸)

در عصر حاضر، ظهور ابزارهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی، روش‌هایی جدید را برای برقراری ارتباط و تولید و ذخیره اطلاعات به وجود آورده است؛ استفاده از این روش‌ها در روابط تجاری و روزمره مردم، موجب ایجاد نوعی جدید از دلیل با ماهیتی متفاوت به نام «دلیل الکترونیک» شده است. با وجود آن که ماهیت دلیل الکترونیک متفاوت از دلیل سنتی است، می‌توان به کارگیری روش‌های فنی، عناصری را که قانون برای اعتبار دلیل لازم می‌داند، در دلایل الکترونیک تامین کرد. به همین جهت، قانون تجارت الکترونیک، ضمن برابر شمردن داده پیام و امضای الکترونیکی با نوشته و امضای سنتی، دلایل الکترونیک را به عنوان نوعی جدید از دلیل معتبر تلقی می‌کند و واجد ارزش اثباتی می‌داند (عراقی، ۱۳۹۶: ۶۳).

متأسفانه بسیاری از وکلا یا قضات از این قانون اطلاعی ندارند یا به آن بی‌توجه‌اند از این رو قانون تجارت الکترونیک از جمله قوانین حقوقی به شمار می‌آید که متأسفانه بسیار مجهول مانده و به درستی به مردم معرفی نشده است. پیش از ظهور تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلیل فقط در شکل سنتی آن یعنی در قالب‌های اقرار، سند کاغذی، شهادت، امارت و سوگند متصور بود و کاغذ، مهمترین حامل اطلاعات به شمار می‌آمد اما در طی قرن اخیر، اختراعات شگرفی در زمینه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفت؛ تلگراف، تلفن، نمار، میکروفیلیم، رایانه و اینترنت روش‌های جدیدی را برای برقراری ارتباط به وجود آورد، سهولت و کارایی این ابزارها موجب ترویج سریع استفاده از آنها در امور تجاری و حتی روزمره مردم شد، تا جایی که شیوه جدیدی از تجارت برای مبادله اطلاعات تجاری بدون استفاده از کاغذ به عنوان تجارت الکترونیک شکل گرفت. همچنین، ابزارهای رایانه‌ای چنان دقیق و هوشمند هستند که علاوه بر آنکه به عنوان ابزاری جهت ذخیره و انتقال اطلاعات به کار می‌روند، قادر هستند به صورت خودکار، بدون دخالت مستقیم انسان، اطلاعات را ایجاد و پردازش کنند.

امروزه با توجه به تغییر ساختارهای اجتماعی و تبدیل زندگی روستایی به شهرنشینی، افزایش جمعیت کم شدن میزان تعلق و وابستگی به خانواده این روش جوابگو نمی‌باشد با توجه به این موقعیت نهاد جدیدی به نام بیمه شکل گرفت. در این راستا و به زبانی ساده، به پیمانی که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار انعقاد می‌گردد، عقد بیمه اطلاق می‌شود و اصول حاکم بر آن به گونه‌ای است که آن را از سایر عقود متمایز می‌گرداند. به نحوی که در حقوق بیمه یا در سایر عقود چنین اصولی حاکم نیست یا اگر حاکم باشد، ضمانت اجرای تخلف از آن اصل، خفیف تر از ضمانت اجرای عدم رعایت آن است (ناصری، ۱۳۹۳: ۵۲).

در دنیای مدرن امروز با دسترسی آسان همه به اطلاعات، کمتر کسی پیدا می‌شود که منکر مزایای استفاده از انواع مختلف خدمات بیمه باشد، اما رقابت در این زمینه هم با توجه به اقبال عمومی از این خدمات شدیدتر از قبل شده است. در چنین شرایطی، شرکت‌های بیمه به منظور جذب مشتری بیمه‌نیازمند استفاده از فناوری‌های روز برای جذب و نگهداری بیمه‌گذاران هستند. فرقی نمی‌کند که هدف جذب مشتری بیمه عمر باشد یا جذب مشتری بیمه بدنه اتومبیل، با رعایت راهکارهای جذب مشتریان بیمه که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، آژانس‌های بیمه می‌توانند شاهد رشد کسب‌وکار خود باشند.

یکی از الزامات ایجاد تحول در بازار بیمه کشور، ورود طرح‌های نوین به این عرصه است. اتفاقی که بدون شک می‌تواند با ایجاد تنوع در بیمه کردن، نیازهای متفاوت جامعه را پاسخ دهد. در حالی مسئولان بخش بیمه در کشور به استفاده از ابزارها و طرح‌های نوین در عرصه بیمه اذعان می‌کنند که حوزه بیمه در ایران همچنان در بیشتر موارد دارای شیوه اداره و ارائه سنتی است. تلاش برای رسیدن به این مهم در ایران از سوی بخش خصوصی و دولتی در جریان است اما آیا موفقیت هم داشته است؟ در بیمه نباید منشأ سودآوری برای بیمه‌گذار باشد (اصل جبران خسارت) حق رجوع بیمه‌گر به مسئول حادثه زیانبار (اصل جانشینی) عملیات بیمه بر پایه تئوری احتمالات استوار است و حق بیمه بر مبنای درصد احتمال وقوع خطر تعیین می‌شود (اصل احتمال) خطر در بیمه عنصر اساسی است. خطر مورد بیمه باید محتمل الوقوع باشد (اصل خطر) عدم امکان بیمه نمودن مجدد، موضوع بیمه (اصل تعدد). تلاش در راه توزیع خطرات و توزیع جهانی ریسک (اصل اتکایی) (همتی مهدی، ۱۳۹۷: ۴۳).

جبران خسارت مهم‌ترین نقش بیمه است. قلمرو خسارت در بیمه بسیار فراتر از تعاریف قانون مدنی در باب ضمان قهری است. چرا که بیمه‌ها هم در برابر خسارات قراردادی و هم خسارات قهری مسئولند. بر اساس ملاحظات اخلاقی و اصول حاکم بر روابط اجتماعی بیمه مکلف به جبران تمام خسارات وارده به زیان‌دیده و اعاده به وضع سابق است. اما گاهی اوقات میزان خسارات وارده به بیمه‌گذار تا حدی است که شرکت بیمه قادر به جبران خسارت نیست در نتیجه شرکت‌های بیمه ابتدایی می‌کوشند تا با تقسیم مسئولیت به موجب عقد بیمه اتکایی از میزان مسئولیت خود بکاهند. تکافل یک عقد بیمه اسلامی است که با ایجاد تضامن میان شرکت‌کنندگان تقسیم ریسک می‌کند. (رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۸)

«اصل جبران خسارت» به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در قرارداد بیمه خسارت، دارای نقش موضوعی است و نیز قلمرو موضوعی گسترده تری نسبت به مفهوم خسارت در مسئولیت مدنی دارد. این اصل متضمن دو جلوه است؛ نخست اینکه به موجب این اصل، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارتی است که در نتیجه وقوع حادثه مورد بیمه بر اموال بیمه‌گذار در بیمه اموال و بر اشخاص در بیمه مسئولیت وارد شده است. لذا، جبران خسارت باید زیان دیده را در وضعیتی که قبل از وقوع حادثه داشته قرار دهد. در واقع مطابق این اصل، خسارت وارده باید به تمامی و به نحو مطلوب جبران شود که به بعد اثباتی نیز معروف است. دوم اینکه جبران نباید موجب افزایش دارایی زیان دیده شود و بیمه نباید هرگز به صورت منبع انتفاع برای زیان دیده درآید (جنبه منفی). به هر حال، هرچند این اصل دارای دو رویکرد متفاوت یا مثبت و منفی است، اما در مقام اجرا و اعمال آن لازم است رویه قضایی بر بعد اثباتی آن اعتماد و تکیه کند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. این اصل از اصول آمره قراردادهای بیمه خسارت است که در اجرای آن، بیمه‌گران تعهد دارند که خسارت واقعی (ارزیابی شده) زیان دیدگان را طبق مفاد و شرایط بیمه نامه صادر شده، حداکثر تا سقف تعهدات بیمه‌ای جبران کنند

بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی، سال‌ها است جهت پرداخت حق بیمه خود به صورت سنتی و مدرن با مراجعه به مراکز مربوطه اقدام به پرداخت حق بیمه خود به این سازمان می‌کردند. اما امروزه با توجه به پیشرفت‌هایی که در علم پرداخت‌های الکترونیکی بوده است آنان به غیر از روش مدرن می‌توانند به صورت غیر حضوری نیز حق بیمه خود را آنلاین در زمان تعیین شده پرداخت نمایند. (پارساپور، ۱۳۸۹: ۶۳)

اطلاعات بیمه‌گذاران دائماً در حال تغییر است. در سیستم سنتی ثبت اطلاعات، بسیاری از رکوردها بدون به روز رسانی در پایگاه داده باقی می‌مانند و باعث بروز اختلال هم در فرایند بازاریابی و هم پشتیبانی می‌شوند.

بررسی تازه‌ترین گزارش‌ها و تحلیل‌های مؤسسات معتبر جهانی از وضعیت آینده کسب‌وکارها نشان می‌دهد، بیمه‌گرانی که تغییرات را پیش‌بینی و برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، می‌توانند آینده خود را خلق کنند، زیرا افزایش روش‌های فروش و

رقابت در بازار و شفافیت قیمت، خرید مستقیم بدون واسطه و خرید گروهی از طریق انجمن‌های مجازی شاهد برخورداری همگانی از مزایای بیمه به شکل مدرن خواهیم بود. به بیان ساده، بیمه‌گران در بعضی بازارهای نوظهور و کمتر توسعه‌یافته می‌توانند حاشیه‌های سود خوبی به دست آورند، به شرط آنکه از روش‌هایی مختلف و نوین فروش استفاده کنند البته با جهانی‌تر شدن بیمه‌های عمر و باگذشت زمان، این حاشیه‌های سود در فضای رقابتی قیمت محور از بین خواهند رفت. اگر فرصتی برای تنوع‌بخشی موجود نباشد، این امر می‌تواند به نوسان زیاد در درآمدها و کاهش سودآوری بیمه‌گران بینجامد. البته با مرگ بیمه‌گری قدیمی و سنتی و نبود مهارت‌های بیمه‌گری در بازارهای نوظهور در جهان منجر به کمبود افراد باتجربه در ارائه خدمات بیمه می‌شود. با این حال، شرکت‌های بیمه‌ای که بتوانند تغییرات را بپذیرند و با تنوع روش‌های فروش بیمه‌گران برتر را استخدام کنند یا در خدمت خود نگه دارند و از دانش آن‌ها برای ساختن مدل‌های پیچیده پیش‌بینی کننده بهره بگیرند، می‌توانند به سهم بازار بیشتری دست یابند. با پیشرفت‌های اخیر در فناوری‌های جدید از جمله تلفن همراه این فرصت فراهم شده تا شرکت‌های بیمه با ادغام تکنولوژی در کسب‌وکارشان، محصولات و خدمات جدیدی ارائه دهند و باعث شوند حوزه‌های فنی و مالی و سرمایه‌گذاری غیر جذاب و قدیمی جانی تازه بگیرند. استفاده از تکنولوژی تأثیر فراوانی بر الگوها و مدل‌های کسب‌وکار فاقد کارایی شرکت‌های بیمه خواهند داشت که مهم‌ترین اثرات تکنولوژی در اختیار قرار دادن اطلاعات و داده‌های مفید به کلیه ذی‌نفعان آن شرکت بیمه خواهد بود همچنین در شناسایی و مدیریت ریسک کمک مؤثری به بیمه‌گران می‌کند.

مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه

«اصل جبران خسارت» به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در قرارداد بیمه خسارت، دارای نقش موضوعی است و نیز قلمرو موضوعی گسترده تری نسبت به مفهوم خسارت در مسئولیت مدنی دارد. این اصل متضمن دو جلوه است؛ نخست اینکه به موجب این اصل، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارتی است که در نتیجه وقوع حادثه مورد بیمه بر اموال بیمه‌گذار در بیمه اموال و بر اشخاص در بیمه مسئولیت وارد شده است. لذا، جبران خسارت باید زیان دیده را در وضعیتی که قبل از وقوع حادثه داشته قرار دهد. در واقع مطابق این اصل، خسارت وارده باید به تمامی و به نحو مطلوب جبران شود که به بعد اثباتی نیز معروف است. دوم اینکه جبران نباید موجب افزایش دارایی زیان دیده شود و بیمه نباید هرگز به صورت منبع انتفاع برای زیان دیده درآید (جنبه منفی). به هر حال، هرچند این اصل دارای دو رویکرد متفاوت یا مثبت و منفی است، اما در مقام اجرا و اعمال آن لازم است رویه قضایی بر بعد اثباتی آن اعتماد و تکیه کند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. این اصل از اصول آمره قراردادهای بیمه خسارت است که در اجرای آن، بیمه‌گران تعهد دارند که خسارت واقعی (ارزیابی شده) زیان دیدگان را طبق مفاد و شرایط بیمه نامه صادر شده، حداکثر تا سقف تعهدات بیمه‌ای جبران کنند. (نجومی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)

بررسی تحلیلی بیمه‌های مسئولیت در رویه قضایی

بیمه علاوه بر نقش جبران کننده و اثرات مهمی که در تغییر قواعد مسئولیت مدنی دارد، قواعد دادرسی را نیز متحول کرده است. دعاوی متنوعی با محوریت بیمه‌های اشخاص و اموال با رشته‌های فرعی خود، در دادگاه‌ها مطرح می‌شود و از آنجا که حقوق بیمه در کشور ما توسعه نیافته، نظریات قضایی متعددی پیرامون این دعاوی رشد می‌کند. بی‌گمان رویه قضایی باید پویا باشد و تفاوت نظر، به خودی خود، امری نکوهیده نیست اما وقتی بدون توجه به اصول و قواعد ویژه هر رشته حقوقی، ابراز و در

رای منعکس شوند، نتیجه ای جز غیر قابل پیش بینی بودن و تناقض آرا به دنبال نخواهد داشت. بی گمان ترکیب قواعد بیمه و مسئولیت مدنی از یک سو و حضور در دعاوی جزایی از سمی دیگر، طبع دعوا را پیچیده تر می کند و از این رو، تلاش برای تبیین دعاوی آن و تحلیل رویه قضایی در این زمینه می تواند به توسعه حقوق بیمه در نظام حقوقی و آشنایی کاربران آن (عموم حقوق دانان) کمک می کند. (ملائکه پور شوشتری، ۱۴۰۲: ۲۱۲)

دعاوی بیمه ای، از حیث ادله ی اثباتی عمدتاً از اصول و مقررات ناظر بر سایر دعاوی متابعت می کند. در این دعاوی نیز خواهان باید در مقام اثبات دعوا بر آید و جز در مواردی که دلایل او بر دفاعیات خوانده غلبه کند، برنده ی دعوا نخواهد بود. در عین حال، قراردادهای بیمه ای تابع اصولی است که در فرض اختلاف طرفین دادگاه مکلف به اجرای این اصول است و از این جهت دعاوی بیمه ای از سایر دعاوی متمایز می گردند. اصل جبران خسارت از جمله اصولی است که در بیمه های خسارت حائز اهمیت فوق العاده ای است. رواقع، محاکم دادگستری مکلف اند در دعاوی بیمه ای به اصل جبران خسارت کاملاً توجه کرده و اختلافات حاصله را در پرتو این اصل حل و فصل نمایند. حق قائم مقامی بیمه گر نیز از مشتقات اصل جبران خسارت است و بیمه گزار را از هر اقدامی که منافی این حق باشد، بر حذر می دارد. اما مقتضای هر کدام از این دو اصل در مرحله ی اثباتی به نفع بیمه گزار است و در نتیجه این بیمه گر است که باید جبران خسارت بیمه گزار و یا اقدام منافی حق قائم مقامی خود را ثابت کند. این مزیت در مرحله ی دادرسی دارای نقش مؤثری است و در فقد ادله ی قانونی، سرنوشت دعوا را به نفع طرفی که این امتیاز به نفع او برقرار شده (بیمه گزار) تغییر خواهد داد. (شکوهی زاده، صادقی مقدم، ۱۴۰۱: ۵۱)

جبران خسارت زیان دیدگان بیمه و تامین اجتماعی

امروزه مسئولیت مدنی، بیمه و تامین اجتماعی سه شریک عمده جبران خسارت زیان دیدگان محسوب می شوند. چنانچه خسارت از طریق مسئولیت مدنی یا مزایای جنبی (بیمه و تامین اجتماعی) قابل جبران باشد، مسئله نحوه جمع مبالغ قابل پرداخت از طریق بیمه، تامین اجتماعی و حق جبران خسارت از طریق نظام مسئولیت مدنی مطرح می شود. سیاست های مختلفی جهت اعمال موضوع وجود دارد که از میان آنها معتبرترین شیوه، جبران خسارت توسط بیمه گر و رجوع بعدی او به عامل زیان، تحت نظریه قائم مقامی است. این نظریه یکی از قواعد پذیرفته شده بیمه ای در اکثر نظام های حقوقی جهان است. در واقع این قاعده مکمل اصل غرامت است. از آنجا که بیشترین زیان ناشی از مسئولیت مدنی از طریق شرکت های بیمه جبران می شود، اجرای این قاعده باعث می شود که زیان دیده بیش از آنچه خسارت دیده، دریافت نکند و عامل زیان نیز تاوان اعمال خود را بپردازد. با اجرای این قاعده حقوق و تکالیف بیمه گذار به قائم مقام انتقال می یابد. در عین حال اعمال این قاعده تکالیفی را به بیمه گذار تحمیل می نماید. از طرفی قواعد حاکم بر قاعده جانشینی قواعد آمره نیستند بنابراین شرط خلاف قاعده جانشینی، قابلیت پذیرش دارد.

اصل حسن نیت از مهم ترین اصول حاکم در انواع قراردادهای بیمه است که باتوجه به کارکرد متعدد مراحل قراردادی، ضمانت اجرای مختلفی هم برای نقض آن مقرر شده است. حسن نیت در زمان مذاکرات مقدماتی و انعقاد قرارداد بیمه، اقتضا می کند که بیمه گذار اطلاعات اساسی در رابطه با خطر بیمه را افشا کند. (منتظری ۱۳۹۳: ۱۰).

نقض این تعهد توسط بیمه گذار و اثبات سوء نیت وی از ناحیه بیمه گر، ضمانت اجرای شدیدی را در پی خواهد داشت؛ به نحوی که علاوه بر بطلان عقد بیمه، بیمه گذار مسئول جبران خسارت وارده به شرکت بیمه خواهد بود. مبنای این جبران خسارت را مسئولیت مدنی ناشی از عقد باطل تشکیل می دهد. اما در اینجا قانون گذار گاه از ارکان سنتی مسئولیت مدنی

عدول نموده و بیمه گر را از اثبات آن معاف کرده است. در این تحقیق ضمن بحث از تعهد بیمه گذار به رعایت حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد، مسئولیت مدنی او در نقض این تعهد مورد بررسی قرار می گیرد. (نصیرپور، ۱۳۹۷: ۱۵۱)

هنگامی که زیان دیده مرتکب تقصیری شده باشد که آن تقصیر در زیان رسیدن به خود او تاثیر داشته باشد، دادگاهها حتما این تقصیر را مدنظر قرار می دهند و لذا برای تنبیه او از غرامتی که به او تعلق می گیرد می کاهند و حتی گاهی دعوی جبران خسارت او را به طور کامل مردود اعلام می کنند و بدین ترتیب، مسئولیت را به طور جزیی یا به طور کامل به عهده خود او می گذارند. حقوق موضوعه هنوز به این اصل پایبند است که تقصیر زیان دیده باید دست کم باعث کاهش جبران خسارت او شود. روشن است که این تقصیر زیان دیده، صرفاً یک نقش کیفری دارد زیرا باعث می شود حق وی در جبران خسارت، کاهش یافته و یا از بین برود و همانطور که بوریس استارک، اشاره کرده است نقش یک مجازات خصوصی را ایفا می کند. (مدنی کرمانی،

[۱۴۰۲: ۸۵](#))

اما به نظر می رسد که این مجازات، دیگر یک کیفر محض باشد و لذا اثر بازدارندگی نداشته باشد زیرا بسیار بعید است که بر زیان دیدگانی که شخصاً و شاید باتمام وجود، از خسارتها رنج می برند، اثر بازدارندگی داشته باشد. که تنبیه زیان دیدگان تقصیر کار تاجه حد عجیب است زیرا آنها در حالی تنبیه می شوند که در همه مواردی که بیمه، اجباری یا معمول است - یعنی در بیشتر موارد - مسئولان بیمه شده از مصونیت کامل برخوردارند. در این حال، زیان دیده، دست کم به صورت جزیی، تنها کسی است که بار خسارت را تحمل می کند. بی عدالتی در این وضعیت، نقش برهم زننده بیمه را بیشتر روشن می کند. (کریمی، ۱۳۷۷: ۶۵)

وقتی قابلیت پیش بینی را شرط مطالبه ی خسارت بدانیم، آنگاه نهادی مثل بیمه می تواند به استناد اینکه زیان دیده می تواند ورود خسارت را پیش بینی نماید کوتاهی کرده است از پرداخت مبلغ خسارت امتناع کند. یا حق مراجعه به وارد کننده ی زیان را به استناد اینکه ضرر قابل پیش بینی نبوده است، از دست بدهد. عملکرد بیمه در تصادفات رانندگی نیز به همین طریق است که بیمه به نمایندگی از کسی که مقصر شناخته می شود، مسئول جبران خسارت شناخته می شود، در فقه، مسئولیت ناشی از فعل غیر، به معنی جلوگیری از تضییع مال یا جان دیگری است و نوعی تعاون اجتماعی محسوب می شود اینکه بیمه یا تامین اجتماعی، تقصیر را در نظر می گیرد، از بسیاری از سوء استفاده هایی که از بیمه می شود، جلوگیری خواهد کرد. حمایت بی چون و چرای بیمه تامین اجتماعی ممکن است در جامعه افراد را دچار آسودگی کاذب کند و آنان را به تصور اینکه می توانند هر نوع فعالیتی و لو زیان بار و بدون پیش بینی آثار زیان بارش داشته باشد و خشنود باشند که در صورت ورود ضرر بیمه یا تامین اجتماعی بار جبران خسارت را بدوش خواهند کشید، دچار بی احتیاطی و کوتاهی در پیش بینی ضرر در فعالیت هایشان کند و حتی ممکن است برای نیل مبلغ خسارت، افراد با هم دسیسه کنند و خسارتی عمدی ایجاد کنند. اما وقتی تقصیر در ایجاد مسئولیت مدنی بی اثر نباشد و در کنار سایر شرایط لحاظ شود، جبران خسارت از طریق بیمه و تامین اجتماعی ارزانتر، سریعتر، عادلانه و انسانی تر صورت خواهد می گیرد و نیز پیش گرفتن احتیاط و وظیفه ی مراقبت و افزایش ایمنی را مخدوش نمی کند. (صادقی نشاط، ۱۳۸۰: ۱۳۳)

مسئولیت سر پرست صغیر و محافظ مجنون ناشی از تقصیری است که آنان در نگهداری و مواظبت از صغیر و مجنون مرتکب شده اند و همچنین در مورد بررسی اخلاقی مسئولیت مدنی آموزگاری که در ساعات مدرسه وظیفه ی مراقبت از دانش آموزان صغیر را به عهده دارد و بر اثر تقصیر در نگهداری او، خسارتی بار آید نیز مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به اعمال کارکنان اداری و کارگران و کارکنان اداری خود مرتکب شده اند. مسئولیت مدنی دولت، شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها نسبت به اعمال مستخدمین خود، به بخاطر خطا و نقص وسائل اداری و به عبارت دیگر تقصیر اداری است. اخلاق مسئولیت ناشی از فعل غیر را در حالیکه شخص بر

اعمال و رفتار غیر وظیفه‌ی کنترل و نظارت دارد و مقتدرانه مسئول کنترل اعمال اوست، غیر عادلانه نمی‌داند و همچنین حتی اگر چنین وظیفه و اقتداری هم وجود نداشته باشد، باز هم مسئولیت ناشی از فعل غیر، بر مبنای همبستگی و تعاون اجتماعی و عدالت توزیعی، از لحاظ اخلاقی قابل توجیه است چرا که در آن هم از زیان دیده حمایت می‌شود و هم از وارد کننده‌ی زیانی که توانایی مسئولیت‌پذیری ندارد و در مورد شخص نگهدارنده نیز با توجه به اینکه در قانون مسئولیت مدنی، با اثبات تقصیر مسئول شناخته می‌شود، اجحافی نمی‌شود چرا که شخص نگهدارنده، متعهد به ایمن نگهداشتن جامعه از ورود آسیب توسط شخصی است که او تعهد به نگهداری اش را دارد و همچنین با نقص این تعهد که تقصیر او ثابت می‌شود. در بحث مسئولیت بخاطر ترک فعلی که منجر به ورود زیان می‌شود نیز، ترک نگهداری به عنوان ترک فعل، تقصیر نگهدارنده را قابل اثبات می‌کند (مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۲ ق.م.ا.ح.، ۱۳۷۹: ۹۶)

جبران خسارت ناشی از سرباز زدن کارفرما از بیمه کارگر

کارفرمایی که از بیمه کردن کارگرنش و یا از ایجاد قرارداد کاری با آنان سرباز زده است تا مشمول قانون کار نشود، متخلف است و قصد فرار از قانون و مسوولیت را داشته است. اگر در ماده‌ی ۱۲ قانون مسوولیت مدنی، «کارفرمایان مشمول قانون کار»، تفسیر وسیع شوند و کارفرمایانی که از قانون تخلف کرده اند را نیز در بر بگیرد، اخلاقی تر خواهد بود. بعلاوه اگر مسوولیت را تنها متوجه کارفرمایان مشمول قرارداد کار بدانیم، کارفرمایان را به سمت تخلف از قانون برای کاهش مسوولیت شان سوق داده ایم، با تصور اینکه اگر در رابطه‌ی آنها با کارگرنشان، قرارداد کار و بیمه وجود نداشته باشد، از مسوولیت مبری خواهند شد و به نوعی خواهند توانست با سرپیچی از قانون با ضررکارگر و به نفع خود، کارگرانی داشته باشند که بخاطر مشمول قرارداد کار نبودن، حمایت قانون نشوند و کار فرما نیز در قبال ایشان، هیچ مسوولیتی نداشته باشند. اخلاق در جهت حمایت از قشر آسیب پذیر جامعه (کاگران)، در مقابل چنین تخلفی ساکت نمی‌ماند و این قبیل کارفرمایان را مقصر و مسئول می‌شناسد. (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۵۲) علاوه بر نکات فوق الذکر، عدم توجه به تقصیر شخصیت در مسئولیت نیابتی فواید اخلاقی قابل توجهی دارد، اشخاص در وظیفه‌ی احتیاط و مراقبتی که بر عهده‌ی ایشان است، نهایت سعی و همت خود را خواهند گذاشت و بیشتر احتیاط خواهند کرد و اگر دارنده‌ی وسایل نقلیه‌ی موتوری را مسئول جبران خسارت بدانیم، هرچند در کشور ما دارنده به صرف دارندگی مسئول شناخته نمی‌شود دارندگان، در بیمه کردن وسایل نقلیه‌ی خود کوتاهی نمی‌کنند و وسیه‌ی نقلیه‌ی خودشان را بدون رعایت احتیاط‌های لازم به دیگری نمی‌دهند و سخت‌گیری بیش‌تری اعمال خواهند کرد. در عین حال می‌بینیم پدری که تمام احتیاط‌های لازم را برای تربیت فرزند صغیرش و دور نگه داشتن وی از رانندگی انجام داده است، باز هم مسئول خساراتی است که از ناحیه‌ی فرزندش ببار آمده است. کارفرمایی که می‌داند هر گونه خسارتی در نهایت به عهده‌ی وی خواهد بود، نهایت دقت خود را در انتخاب کارگری مناسب حال و واجد شرایط لازم برای کار مورد نظر آنها بکار خواهد بست و در بیمه کردن ایشان کوتاهی نخواهد کرد. (خروشی، ۱۳۹۲: ۹۸).

درست است که مسئولیت نیابتی یک استثنا بر اصل است اما غیر اخلاقی نیست مگر اینکه در قانون مواردی که اشخاص مسئولیت نیابتی دارند تصریح نشده باشد. بنابر قاعده‌ی عقاب بلا بیان، اخلاق حکم می‌کند در موارد استثنایی و محل شک، به اصل عدم استناد کنیم و فرد را مسئول ندانیم، مگر اینکه قبال در قانون به آن اشاره شده باشد. زیانی که از ناحیه‌ی کارگر، مامور، طفل یا مجنون ببار می‌آید، گاه در نتیجه‌ی بی احتیاطی و ترک فعل مراقبت و پیش‌بینی‌های جلوگیری از ضرر توسط کسانی است که وظیفه‌ی کفالت، قیومت و مراقبت از آنان را دارند. در این حالت اگر شک کنیم در اینجا مسئولیت این اشخاص به نیابت است یا به اصالت، باید گفت ترک فعل برای آنان تقصیری ایجاد کرده است که آنها را به اصالت مسئول کرده

است. بر همین مبناست که قانونگذار در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی تصریح می کند که کارفرما برای رجوع به وارد کننده ی زیان، نخست باید بی تقصیری خودش را مطابق معیار های عرفی کار مورد نظر اثبات کند چرا که اصل این است که مسئولیت وی به اصالت (بخاطر ترک فعل) است. بنابراین می بینیم که مسئولیت نیابتی هم مبنی بر نظریه ی تقصیر است لکن ملاک تقصیر شخصی معیاری نیست که برای احراز تقصیر در اینجا کاربرد داشته باشد. (حاجی زوار، ۱۳۸۹: ۵۷).

بی شک هر جا سخن از خسارت باشد و کسی درصدد جبران آن باشد بحث مسئولیت مدنی آغاز می شود ولی حتی اگر تنها هدف مسئولیت مدنی را جبران خسارت بدانیم، باز هم نوع نگرش ما آثار متفاوتی خواهد داشت. این که بتوانیم میان استحقاق زیان دیده بر جبران خسارت و تکلیف وارد کننده زیان بر جبران آن تفاوتی قائل شویم و تنها برای این که هدف را جبران خسارت می دانیم، خسارت کننده را به هر قیمتی مسؤول فرض نکنیم، آثار اخلاقی متفاوتی بر مسؤول شناخت افراد خواهد داشت. اگر خسارت از طریق وسایل دیگری همچون صندوق تامین خسارت، بیمه اجباری مسئولیت، ایجاد مسئولیت های تضامنی، انجمن های حمایت از حقوق مصرف کننده و با توزیع ضرر در جامعه قابل جبران باشد، دغدغه ی مسئولیت مدنی از جبران خسارت صرف، به سمت اخلاقی بودن ایجاد مسئولیت متمایل خواهد شد و به هر قیمتی، جبران خسارت و ایجاد مسئولیت برای وارد کننده ی زیان را عادلانه نخواهد دید. (نعیمی و پرتو، ۱۳۹۵: ۶۷)

امروزه رویه قضایی به هنگام ترجیح یکی بر دیگری، نظریه تقصیر زیان دیده را بر نظریه رضایت زیان دیده ترجیح می دهد. به دیگر سخن هنگامی که اعمال قاعده تقصیر زیان دیده با رضایت زیان دیده مشتبه باشد، قاضیان تمایل به اعمال قاعده تقصیر زیان دیده دارند و می پذیرند که هر دو در بروز خسارت تقصیر داشته اند و به قدر متیقن بسنده می کنند. البته در مواردی هم قاعده رضایت زیان دیده اعمال نمی گردد. (اخلاقی، ۱۳۹۸: ۹۵).

رویه های قضایی سنتی و جدید جبران خسارت بیمه ای

در واقع در رویه های قضایی، هدف از بیمه ی خسارت این است که پس از توجه خسارت به مال بیمه شده، بیمه گر در مقام جبران این خسارت بر آمده و با پرداخت غرامت بیمه گزار، وضعیت مالی او را به موقعیت قبل از حادثه خسارت زار برگرداند. بنابراین، اختلاف طرفین قرارداد بیمه یعنی بیمه گر و بیمه گزار باید در پرتو این جنبه از اصل جبران خسارت حل و فصل گردد و چون احراز خسارت برای الزام بیمه گر به جبران خسارت کافی است. اثبات هر ادعایی که اصل جبران خسارت را ملغی الاثر کند، با بیمه گراست. به عبارت دیگر، هر گاه بین بیمه گر و بیمه گزار در مورد جبران یا عدم جبران خسارت اختلاف حاصل شود با احراز خسارت، این بیمه گر است که باید به عنوان متعهد، جبران خسارت بیمه گزار را ثابت کند. به همین ترتیب، در صورتی که دلایل موجود در پرونده دارای قوت اثباتی برابر و در عین حال معارضی باشند، دادگاه رسیدگی کننده مکلف است با تکیه بر اصل جبران خسارت - که موافق با اصل استصحاب نیز هست - حکم خود را به نفع بیمه گزار صادر کند. اما در نظریه ی مورخ ۶۶/۹/۱۴ دادگاه حقوقی یک شهرستان نهند به این اصل اساسی ناظر بر تأسیس حقوقی بیمه بی اعتنائی شده و به طور کلی این اصل مد نظر قرار داده نشده است. در این پرونده، وقوع خسارت به مال موضوع بیمه (تریلر شماره ۲۷۲۱۲۵-۴ط) ثابت بوده و حتی بیمه گر سابقاً غرامت متعلقه را در وجه بیمه گزار پرداخته بوده، است، بنابراین در این که بیمه گزار ابتدائاً استحقاق دریافت غرامت را داشته، طرفین دعوا اختلافی نداشته اند. مع ذلک بیمه گر متعاقباً مدعی گردیده چون بیمه گزار خسارت دیگری هم از مقصر حادثه دریافت داشته است، بنابراین به استناد قسمت آخر ماده (۳۰) قانون بیمه و ماده (۲۱) شرایط عمومی بیمه ی بدنه ی اتومبیل، ملزم به بازپرداخت غرامت دریافتی است. (نصیرپور، ۱۳۹۷: ۶۵)

این ادعا، فی حد ذاته درست و دارای وجهه ی قانونی است اما به شرط این که اثبات شود، و چون دلایلی که شرکت بیمه گر در دعوای خود به آن ها تمسک بسته است، به هیچ وجه این ادعا را ثابت نمی کند و یا حداکثر چیزی جز اثبات کننده ی بار دلیل ظاهر نیست، در نتیجه، اجرای اصل جبران خسارت نافه ی استحقاق شرکت بیمه گر در استرداد غرامت پرداختی بوده و درکفه ی ادله ی دفاعی بیمه گزار قرار می گیرد. (صداقت، ۱۳۹۶: ۹۴)

با این وصف، چون هدف از تأسیس حقوق بیمه منحصرأ جبران خسارت بیمه گزار است، با جبران خسارت بیمه گزار، موجبی برای تحصیل وجه اضافه تری باقی نمی ماند و بیمه گزار نمی تواند در پرتو قرارداد بیمه به دارایی خود بیفزاید. این وضعیت، البته منحصر به عقد بیمه نیست و در سایر موارد جبران خسارت نیز اعم از مسئولیت مدنی و قراردادی حاکم است. در واقع، در هر موردی که از زیان دیده جبران خسارت می شود، به این دلیل که ضرر از بین می رود، دوباره نمی توان آن را مطالبه کرد. در این وضعیت، تفاوتی بین وحدت یا تعدد وسیله ی جبران خسارت نیست و در مواردی که اشخاص متعددی خسارتی را وارد کرده اند و یا قانون گذار بیش از یک شخص را مسئول جبران خسارت می داند، استحقاق زیان دیده، محدود به همان خسارتی است که به او وارد شده است و در هیچ حالتی زیان دیده حق ندارد خسارتی را که جبران شده دوباره بگیرد. اما، همین جنبه ی منفی اصل جبران خسارت نیز بیمه گر را از اقامه ی ادله اثباتی معاف نمی سازد و در دعوای بین بیمه گر و بیمه گزار، این بیمه گر است که باید ثابت کند طرف مقابل او غرامت مضاعفی گرفته است و باید وجه اضافی را مسترد نماید. علت این امر نیز کاملاً روشن است؛ زیرا علاوه بر این که در این وضعیت بیمه گر در مقام مدعی است و مثل هر مدعی دیگر باید ادعای خود را ثابت نماید، دفاع بیمه گزار به دلیل آن که موافق با اصل عدم است. (کاویانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

جایگاه تقصیر زیان دیده

هنگامی که زیان دیده مرتکب تقصیری شده باشد که آن تقصیر در زیان رسیدن به خود او تاثیر داشته باشد، دادگاهها حتماً این تقصیر را مدنظر قرار می دهند ولذا برای تنبیه او از غرامتی که به او تعلق می گیرد می کاهند وحتی گاهی دعوای جبران خسارت او را به طور کامل مردود اعلام می کنند و بدین ترتیب، مسئولیت را به طور جزیی یا به طور کامل به عهده خود او می گذارند. حقوق موضوعه هنوز به این اصل پایبند است که تقصیر زیان دیده باید دست کم باعث کاهش جبران خسارت او شود. روشن است که این تقصیر زیان دیده، صرفاً یک نقش کیفری دارد زیرا باعث می شود حق وی در جبران خسارت، کاهش یافته و یا از بین برود و همانطور که بوریس استارک، اشاره کرده است نقش یک مجازات خصوصی را ایفا می کند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۲)

اما به نظر می رسد که این مجازات، دیگر یک کیفر محض باشد [ولذا اثر بازدارندگی نداشته باشد] زیرا بسیار بعید است که بر زیان دیدگانی که شخصاً و شاید باتمام وجود، از خسارتهای رنج می برند، اثر بازدارندگی داشته باشد. آقای تنک به خوبی بیان می کنند که تنبیه زیان دیدگان تقصیر کار تاجه حد عجیب است زیرا آنها در حالی تنبیه می شوند که در همه مواردی که بیمه، اجباری یا معمول است- یعنی در بیشتر موارد- مسئولان بیمه شده از مصونیت کامل برخوردارند. در این حال، زیان دیده، دست کم به صورت جزیی، تنها کسی است که بار خسارت را تحمل می کند. بی عدالتی در این وضعیت، نقش برهم زننده بیمه را بیشتر روشن می کند. (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۸۵)

اگر زیان دیده مستقیم، مرتکب تقصیری شده باشد رویه قضایی این تقصیر را علیه قائم مقام او قابل استناد می داند. (رای هیات عمومی دیوان کشور، ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱). بنابراین باز به علت این تقصیر از میزان غرامت زیان دیده غیرمستقیم کاسته می شود.

دلیل آن این است که حق جبران زیان دیدگان غیرمستقیم از استقلال کامل برخوردار نیست زیرا زیان غیرمستقیم، انعکاس زیان اصلی است وریشه در آن دارد و وجود و دامنه آن وابسته به زیان اصلی است. بعلاوه، خسارت اصلی و غیر مستقیم، ریشه در یک کنش زیان بار دارند. (اخلاقی، ۱۳۹۸)

درکامن لو قاعده ای وجود دارد که بموجب آن زیان دیده ای که در اثر تقصیر خود در ایجاد ضرر دخالت داشته است نمی تواند از این باب مطالبه خسارت کند. مفاد این قاعده در حقوق رم نیز وجود داشته است. ولی از آنجا که در این قاعده درجه تاثیر خطاها در ایجاد ضرر به حساب نیامده است، قوانین و رویه قضایی بیشتر کشورها آنرا نپذیرفته اند. مهمترین انتقاد بر قاعده مزبور این است که چرا باید خطای زیان دیده موجب معاف شدن خواننده از مسئولیت شود؟ بهمین جهت، اکنون تمایل عمومی براین است که مسئولیت بین زیان دیده و عامل ورود ضرر تقسیم شود. بدین ترتیب تمام کسانی که سهمی در ایجاد ضرر داشته اند در تحمل بار مسئولیت شریک می شوند و تبعیض نابجایی صورت نمی گیرد. در حقوق ما نیز باید همین راه حل را تایید کرد زیرا موردی که زیان دیده و عامل به اشتراک باعث ورود ضرر شوند در واقع صورت خاص از فرضی است که دو نفر ضرری را با هم ایجاد کرده اند. تنها موردی که می توان از قاعده کامن لو پیروی کرد، جایی است که زیان دیده در وقوع حادثه زیان بار یا اضرار به خود عمد داشته باشد. (صادقی، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

عملکرد بیمه در تصادفات رانندگی نیز به همین طریق است که بیمه به نمایندگی از کسی که مقصر شناخته می شود، مسئول جبران خسارت شناخته می شود، در فقه، مسئولیت ناشی از فعل غیر، به معنی جلوگیری از تضییع مال یا جان دیگری است و نوعی تعاون اجتماعی محسوب می شود (کاشانی، ۱۴۰۹، ص ۲۵۶ و کلینی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۵؛ به نقل از: یزدانیان، ۱۳۹۱ الف، ص ۲۶۰). اینکه بیمه یا تامین اجتماعی، تقصیر را در نظر می گیرد، از بسیاری از سوء استفاده هایی که از بیمه می شود، جلوگیری خواهد کرد. حمایت بی چون و چرای بیمه تامین اجتماعی ممکن است در جامعه افراد را دچار آسودگی کاذب کند و آنان را به تصور اینکه می توانند هر نوع فعالیتی و لو زیان بار و بدون پیش بینی آثار زیان بارش داشته باشد و خشنود باشند که در صورت ورود ضرر بیمه یا تامین اجتماعی بار جبران خسارت را بدوش خواهند کشید، دچار بی احتیاطی و کوتاهی در پیش بینی ضرر در فعالیت هایشان کند و حتی ممکن است برای نیل مبلغ خسارت، افراد با هم دسیسه کنند و خسارتی عمدی ایجاد کنند. اما وقتی تقصیر در ایجاد مسئولیت مدنی بی اثر نباشد و در کنار سایر شرایط لحاظ شود، جبران خسارت از طریق بیمه و تامین اجتماعی ارزانتر، سریعتر، عادلانه و انسانی تر صورت خواهد می گیرد و نیز پیش گرفتن احتیاط و وظیفه ی مراقبت و افزایش ایمنی را مخدوش نمی کند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۶۱۱). مسئولیت سر پرست صغیر و محافظ مجنون ناشی از تقصیری است که آنان در نگهداری و مواظبت از صغیر و مجنون مرتکب شده اند و همچنین در مورد بررسی اخلاقی مسئولیت مدنی آموزگاری که در ساعات مدرسه وظیفه ی مراقبت از دانش آموزان صغیر را به عهده دارد و بر اثر تقصیر در نگهداری او، خسارتی ببار آید (نعیمی و پرتو، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۷). نیز مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به اعمال کارکنان اداری و کارگران و کارکنان اداری خود مرتکب شده اند. مسئولیت مدنی دولت، شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها نسبت به اعمال مستخدمین خود، به بخاطر خطا و نقص وسائل اداری و به عبارت دیگر تقصیر اداری است (کریمی، ۱۳۹۰: ۱). اخلاق مسئولیت ناشی از فعل غیر را در حالیکه شخص بر اعمال و رفتار غیر وظیفه ی کنترل و نظارت دارد و مقتدرانه مسئول کنترل اعمال اوست، غیر عادلانه نمی داند و همچنین حتی اگر چنین وظیفه و اقتداری هم وجود نداشته باشد، باز هم مسئولیت ناشی از فعل غیر، بر مبنای همبستگی و تعاون اجتماعی و عدالت توزیعی، از لحاظ اخلاقی قابل توجیه است چرا که در آن هم از زیان دیده حمایت می شود و هم از وارد کننده ی زیانی که توانایی مسئولیت پذیری ندارد و در مورد شخص

نگهدارنده نیز با توجه به اینکه در قانون مسئولیت مدنی، با اثبات تقصیر مسئول شناخته می شود، اجحافی نمی شود چرا که شخص نگهدارنده، متعهد به ایمن نگهداشتن جامعه از ورود آسیب توسط شخصی است که او تعهد به نگهداری اش را دارد و همچنین با نقص این تعهد که تقصیر او ثابت می شود. در بحث مسئولیت بخاطر ترک فعلی که منجر به ورود زیان می شود نیز، ترک نگهداری به عنوان ترک فعل، تقصیر نگهدارنده را قابل اثبات می کند (مواد ۱۶۸ و ۱۱۷۲ ق.م.ا). در این نگرش، جبران خسارت از طریق مسئولیت مدنی که ملتزم هزینه های بالای اداره ی نظام های قضایی می شود، گران است و در عوض بیمه ی ارزان تر و سریع تر می توان به این هدف برسد و به جای آن از اهداف بعدی مسئولیت مدنی استقبال می کنند مانند تاثیراتی که مسؤولیت مدنی بر اقتصاد به عنوان ابزاری برای رسیدن به کارایی اقتصاد از طریق درونی کردن هزینه های خارجی، بازدارندگی اقتصادی و توزیع ضرر دارد (صادقی نشاط، ۱۳۸۰: ۸۵).

بررسی وسایل جبران خسارت

وسایل جبران خسارت بیشمار هستند و این تنوع بستگی به تنوع خسارت ها و اهداف مسوولیت مدنی دارد و بنا به تشخیص قاضی در هر مورد بخصوص با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده، کمیت و کیفیت آنها تغییر میکند. اهمیت استفاده ی بجا از این وسایل و انتخاب زیان دیده در این زمینه و تصمیمی که قاضی برای وسیله ی جبران خسارت می گیرد، تا اندازه ای است که شیوه های جبران خسارت را بر حقوق مقدم دانسته اند (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۶۳ و ۲۶۴).

وقتی خسارتی ببار می آید، آرمانی ترین اندیشه ی جبران آن، بازگشت وضعیت به حالت قبل از وقوع خسارت است. در این راستا، محدودیت هایی وجود دارد که اغلب بازگشت به حالت پیشین را غیر ممکن می کند. گاه خسارات با پرداخت مبلغی پول قابل جبران است. در این راستا، محدودیت هایی وجود دارد که اغلب بازگشت به حالت پیشین، را غیر ممکن میکند. گاه خسارت با پرداخت مبلغی پول قابل جبران است، گاه با رد عین یا مثل شی از دست رفته، وضعیت به حالت قبل بر میگردد. در خسارت های مالی و مادی اغلب غرامت مالی راه گشاست. وسیله و ابزاری که برای جبران خسارت در نظر گرفته می شود باید کارآیی لازم برای جبران کنندگی را در خود داشته باشد. (صادقت، ۱۳۹۶: ۹۶)

در جبران خسارت هایی که روح و روان، حیثیت و اعتبار یا، شرافت و آبرو مربوط می شوند، جبران خسارت دشوار است. حتی اگر بخواهیم میزان خسارت را با پول تقویم کنیم، در پاره ای از موارد اخلاق را زیر پا خواهیم گذاشت. به عنوان مثال تقویم کردن خسارت معنوی زنی که مورد تجاوز قرار گرفته است با مبلغی پول ممکن است توهینی دیگر به شخصیت و مقام یک زن تلقی شود و علاوه بر اینکه رضایت خاطرش فراهم نشود او را خشمگین تر کند. از طرفی متجاوز را با پرداخت مبلغی پول در جامعه رها می کنند که این خود در فرهنگ سازی نقش تخریب کننده ای دارد و ممکن است برای تجاوز چنین جبران خسارتی نقش باز دارندگی خود را از دست بدهد چرا که خاطرش آسوده است اگر مبلغی پول داشته باشد می تواند به کار خودش ادامه بدهد! شاید برای چنین خساراتی، وسایل جبران کننده دیگری لازم باشد. برای نمونه در جبران خسارت معنوی بوسیله ی غرامت پولی، شعبه ۱۸۱ دادگاه کیفری ۲ استان تهران در موردی که شوهر به زوجه ی خود باکره نبودن را نسبت داد به درخواست زوجه، او را به پرداخت مبلغ سیصد هزار ریال بابت ضرر و زیان معنوی محکوم کرد (دادنامه شماره ۲۵۱-۱۳۶۳/۲/۱۰؛ به نقل از: آشوری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۲). غرامت مالی در مواردی تنها گزینه ی جبران خسارت است مثل جاییکه در اثر خسارتی، کسی زیبایی اش را از دست بدهد، مسلماً مبلغی برابر با هزینه ی برگرداندن زیبایی او، به حالت قبل برای اعمال جراحی، ممکن است برای جبران خسارت تا حد ممکن بهترین وسیله باشد. (حیاتی، ۱۳۷۹: ۹۸)

باید توجه داشت که وسایل جبران خسارت در هر خسارتی، با توجه به نوع و جنس آن خسارت و با توجه به اخلاقیات و عرف حاکم در آن قضیه باید تعیین شوند. در مورد خسارات معنوی نمی توان هدف مسوولیت مدنی را بر طرف کردن خسارات دانست بلکه باید به نوعی رضایت خاطر زیان، دیده را فراهم کرد. اگر رضایت یک زیان دیده با پرداخت مبلغی پول به عنوان غرامت قابل حصول است، اگر چه پول توان، تدارک این نوع ضررها را ندارد، ولی حسب مورد می تواند وسیله ای برای حصول رضایت خاطر زیان دیده و کاهش دهنده ی آلام و جبران کننده ی قسمتی از خسارات وارده بر او باشد (دادنامه ی شماره ۲۷۷ مورخ ۱۳۷۱/۳/۱۸، پرونده کلاسه ی ۱۶۲۱/۳/۷۶، رای شعبه ۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران).

وسایل جبران خسارت، گاه اصلاً خسارت را جبران نمی کنند! تصور کنید کسی را که بر اثر ورود خسارتی توسط مجرمی، عضوی را از دست داده است، در اینجا، قصاص عضو را با توجه به شرایط آن، در نظر گرفته اند اگر عضوی از اعضای زیان دیده جایگزین آن عضو می شود؟ درست است که وضع چنین قوانینی به خاطر قابلیت هایی که برای پیش گیری از وقوع مجدد جرم و آثار پیشگیری کنندگی آنهاست و نیز به اعتقاد کسانی که ماهیت دیه را کیفر و مجازات می دانند چه قصاص و چه دیه ی مقطوع کیفر و مجازات متناسب با جرم و ضرر وارد شده است ولی در نگاهی ظریف تر وقتی تنها به رابطه ی متقابل و دوسویه ی وارد کننده و زیان دیده و عدالت اصطلاحی بین آن دو بنگریم می بینیم که چنین اقدامی شاید عطش انتقام را در زیان دیده فرو نشاند، ولی در خسارات وارده بر او نقش جبران کنندگی ندارد. وسایلی مثل دیه هم به دلیل مقطوع بودن و در نظر نگرفتن آثار واقعی خسارت بر زیان دیده در جبران خسارت نقص هایی دارد و به خاطر همین نقص هاست که بحث خسارت مازاد بر دیه مطرح و با استناد به موارد ۱-۳ قانون مسوولیت مدنی، اصول و قواعد کلی مانند قاعده ی لا ضرر، تسبیب، نفی حرج و بنای عقلا و رای اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور (شماره ی ۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۵) مطالبه ی خسارت مازاد بر دیه جایز دانسته شده است (مدنی کرمانی ۱۴۰۲: ۱۳-۲۹)، مناسب ترین و در دسترس ترین آنهاست. نهاد بیمه یکی از این وسایل است که در جهت تسریع جبران خسارت بوجود آمده است. درست است که ممکن دارد بیمه در کاهش احتیاط های ضروری در پیشگیری از ورود خسارات نقش داشته باشد، یا کسانی در جامعه پیدا شوند و بخواهند از بیمه سوء استفاده کنند و خسارات جعلی و یا عمدی ببار آورند لکن با همه ی این احوال، سود جویی سودجویان و سوء استفاده ی سوء استفاده کنندگان هرگز از ارزش نهاد بیمه نخواهند کاست و به، لحاظ اخلاقی هم اگر چه تا درصدی بیمه انسان را سهل انگار خواهد کرد، ولی مزایای استفاده از بیمه آنقدر زیاد است که در مواردی را آن را اجباری کرده اند.

به نظر می رسد بیمه وسیله، قانون یا قراردادی است که به نوعی توانسته است هم جانب وارد کننده ی زیان را ننگه دارد و هم جانب زیان دیده را، با توجه به اینکه در روند حمایت و تقبل خسارت توسط بیمه، تقصیر یکی از ارکانی است که بیمه ی طرف مقصر را در برابر زیان دیده به نمایندگی از طرف مقصر مسوول میکند، جانب اخلاق هم در نظر گرفته شده است. گاه سقف تعهدات بیمه بیشتر از میزان خسارت وارده بر زیان دیده است که در اینجا این حق را برای او محترم شمرده اند که زیان دیده نسبت به مازاد خسارتش حق مراجعه به وارد کننده ی زیان را داشته باشد. به عنوان مثال سازمان تأمین اجتماعی که عهده دار خسارتی است که کارگر در هنگام کار یا به مناسبت آن می بیند، اگر خسارات وارده بیش از سقف تعهداتش باشد، برای آن قسمت از خسارات جبران نشده، حق مراجعه به عامل زیان را داده است (اخلاقی، ۱۳۹۸: ۸۰) و نظیر آنچه که در مطالبه ی خسارت مازاد بر دیه برخی به استناد ایراد امر مختومه آن را مجاز نمی شمارند با آن برخورد نمرده اند. هر چند استدلالی وقتی اثبات مازاد خسارت ممکن باشد مختومه بودن امر را هم زمان با جبران شدن کامل خسارت زیر سوال می برد.

گاه اثر جبران خسارت بر واردکننده به طریقی است که عملاً او را از توانایی جبران خسارت و لو بصورت تقسیط نیز محروم می کند. در نظر بگیرید کسی که به دیگری خسارتی وارد کرده است، توان جبران آن را نداشته باشد و خسارت وی نه شمال بیمه و نه شامل صندوق های پیش بینی شده ی جبران خسارت های خاص شود در اینجا اگر بخاطر عدم جبران یک خسارت، او را به زندان بیندازند آیا فرد از داخل زندان توان اشتغال و کسب در آمد برای پرداخت خسارت را خواهد داشت؟ در اینجا جز اینکه شخص بخاطر خسارتی جبران نشده، سابقه دار شود و یا بیماری های خاص بگیرد، کسانی که واجب النفقه ی او هستند دچار سختی شوند و بعد از آزادی از زندان بخاطر سوء سابقه در اشتغال و کارایی دچار مشکل شود، گامی در جهت جبران خسارت برداشته نخواهد شد چه برسد به جبران کامل آن در صورتی که اگر بجای حبس فرد، درآمد وی حبس شود و فرد را به کاری در جامعه بگمارند که بتواند با کار کردن خسارت را پرداخت کند، به نظر هم اخلاقی تر است و هم به تدریج گامی در جهت جبران خسارت برداشته خواهد شد. این اتفاق به نوعی در قانون تجارت در بحث ورشکستگی تجار پیش بینی شده است در جایکه به تاجر اجازه ی تجارت مشروط می دهند تا وی توان بازپرداخت کامل خسارت را داشته باشد. نیز در بحث پرداخت مهریه بصورت اقساط نیز شاهد چنین رحمی هستیم. مسلم است که چنین نگرشی به بازپرداخت و جبران خسارات به وارد کننده ی زیان نگاه منصفانه تری دارد و علاوه بر اینکه به حقوق زیان دیده احترام گذاشته است، به حقوق وارد کننده ی زیان نیز توجه نشان داده است.

در قانون کار ایران می بینیم که به کارفرما حق توقیف کارگر وارد کننده ی زیان را می دهد اما در کنار آن به خاطر اهمیت حمایت از کارگری که هنوز معلوم نیست مطابق حکم دادگاه محکوم شود یا خیر، کارفرما را مکلف می کند تا زمانیکه تکلیف کارگر مشخص نشده است، احتیاجات خانواده ی او را علی الحساب مرتفع نماید هر چند حداقل پنجاه درصد از حقوق ماهیانه وی باشد (ماده ۱۸ قانون کار، ۱۳۶۹) و در صورتیکه کارگر محکوم نشود، ضرر و زیان های وارد شده، مزد و مزایای وی به عهده ی کار فرماست و حتی مدت توفیق وی جزء سابقه ی خدمت او حساب خواهد شد. (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۲۱)

درست است که زیان دیده باید مرکز توجه قوانینی که به نوعی به جبران خسارت می پردازد باشد، زیرا این زیان دیده است که برای احقاق حق خویش به حمایت قانون احتیاج دارد، لکن در مواردی حمایت یکجانبه و یک سویه از زیان دیده به بهانه ی جبران کامل خسارت، آثار زیان باری را باعث می شود که در نهایت دود آن به چشم کل یک کشور خواهد رفت که زیان دیده نیز عضوی از آن است و از آن بی نصیب نخواهد ماند. برای نمونه در نظر بگیرید قانونی که برای حمایت از مصرف کننده در برابر تولید کننده وضع شده است، بی هیچ شرط و شروطی و به محض ورود یک خسارت که بطور مستقیم یا غیر مستقیم منتسب به محصول یک تولید کننده باشد. تولید کنندگان را مسوول تمام خسارت های دور و نزدیک یک محصول بداند. شاید در جامعه ای که به قدر کافی اقتصاد و تکنولوژی پیشرفته و مدرنی داشته باشد، حتی خود تولید کننده در جبران کامل خسارت پیش قدم شده و زیر بار پرداخت خساراتی حتی چند برابر خسارات واقعی بروند ولی در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه چنین اتفاقی نمی افتد و تولید کنندگان به حمایت قانونی برای ریسک تولید احتیاج دارند تا بتوانند با امنیت اقتصادی بیشتری در راستای رشد تولیدات داخلی یک کشور گام بردارند در اینجا اگر صرفاً به دلیل انتساب یک خسارت به محصول شان و لو بدون تقصیر تولید کننده، آنها را برای خطری که ببار آورده اند بطور محض مسوول بدانی، از امنیت و رغبت تولید کنندگان کاسته ایم، کشور به رشد اقتصادی مطلوب و بی نیازی از واردات محصولات مختلف نخواهد رسید، قیمت اجناس بالاتر خواهد و همه ی کشور و همین طور زیان دیده که عضوی از جامعه است صدمه خواهد دید. از طرفی، کلی بودن قواعد حقوقی، سبب می شود اشخاص جهت وضع آن را حفظ منافع عمومی بدانند و نه سود جویی شخصی (کاتوزیان، ۱۳۸۸)

الف، ص ۵۳۲)، از طرف دیگر اخلاقی نیست که بخاطر منافع جمع، حق و منفعت یک شخص را نادیده بگیریم تنها به این دلیل که ممکن است احقاق حق وی از طریق وارد کننده به وارد کننده ی زیان آسیب ها و مضراتی را به همراه داشته باشد. ولی می توان نهادی را برای حمایت از تولید کننده ایجاد کرد که از طریق بیمه ی محصولاتشان بتوانند بدون دغدغه و با ریسک کمتری محصولاتشان را تولید کنند و همچنین جبران کامل خسارت نیز به قوت خود باقی باشد. گاه نیز هیچ یک از موارد فوق برای وارد کننده وجود ندارد، ولی پرداخت خسارت اگر چه در حد توان اوست، لکن پرداخت کامل جبران خسارت او را دچار عسر و حرج می کند؛ درست است که پرداخت به صورت اقساط نیز ممکن است برای زیان دیده خوشایند نباشد، ولی در پرداخت خسارت و تقویم میزان خسارت شرایط وارد کننده را باید در نظر گرفته شود. (حاجی زوار، ۱۳۸۹: ۶۸)

نقش قاعده ی احسان در جبران خسارت

درست است که حسن نیت، از رفتار های درون ذاتی و درون ذهنی است لکن حسن نیتی که در حقوق اثر گذار است، یک مفهوم هنجاری قابل ارزیابی است که عموماً با موارد مشابه آن سنجیده می شود. در قوانین مدنی اروپا که بیشتر کدهای آن شامل حسن نیت می شوند یا مرجع آنها به نوعی به آن بر می گردد. در حقوق قرارداد های اروپا، با وجود اینکه به حسن نیت صریحاً اشاره نشده است، بر آن استوار است. حسن نیست به معنی خلوص، صداقت و وفاداری است که در مقام ارزیابی در حقوق قرارداد های اروپا، به معنی در نظر گرفتن منافع طرف مقابل است (خروشی، ۱۳۹۲: ۴۷۱)، در حقوق ایران نیز، حسن نیتی که قابل تشخیص و ارزیابی باشد، در پاره ای از موارد تاثیر گذار خواهد بود. حسن نیت در حقوق قراردادها، در تفسیر قرار داد، تکمیل مواردی که تصریح نشده و وسیله ای برای جلوگیری از سوء استفاده از حق کاربرد دارد و جایگاهی مبنایی، کاربردی و کنترل کننده دارد (منتظری، ۱۳۹۳: ۳۰۲)، یعنی حسن نیت جایگاه عملی خویش را باز یافته ایت.

- بررسی آثار نقش زیان دیده در ورود خسارت

بحث مربوط به زیان دیده، از دو جهت قابل بررسی است، یکی از جهت قاعده ی اقدام و دیگری به جهت سوء استفاده ی زیان دیده از قوانین جبران خسارت. مانند قوانین مربوط به بیمه که البته جهت دوم نیز به نوعی شامل همان قاعده ی اقدام می شود که در هر دو زیان دیده در ورود خسارت به خویش نقش داشته است و تکلیف قاعده ی اقدام نیز روشن است. وقتی کسی در ورود خسارت به خودش یا سهمیم باشد، یا به طور اتفاقی در ورود ضرر به خویش نقش داشته است و یا قصد ورود ضرر به خودش را داشته است. اگر به طور اتفاقی منفرداً یا مشترکاً به خودش ضرری وارد کرده است، لا اقل تا جایی که درصد نسبیت فعل او در ورود خسارات کارایی داشته است، به همان میزان جبران خسارت به عهده ی خودش است و هیچ دلیلی برای انتقال بار مسوولیت به دیگری نیست. لکن باید بررسی شود که اخلاق در جایی که زیان دیده قصد ورود به ضرر به خویش را داشته است چه حکمی دارد. اگر زیان دیده به طمع گرفتن مبلغ بیمه ی آتش سوزی، عمداً کارگاه خود را آتش بزند، یا کسی خود را عمداً و برای اخاذی از راننده یا مالک وسیله ی نقلیه، مصدوم می کند، یا با همکاری عده ای با قصد ورود زیان به خویش هم دست شود، یا کسی از محل خط کشی عابر پیاده یا پل های مخصوص عبور از خیابان استفاده نکند و نظیر آن، آیا در صورت همکاری وی با دیگران، می توان به مسوولیت نسبی آنان به نسبت میزان تاثیر هر یک بر ورود خسارت به جبران خسارت معتقد بود؟ به نظر می رسد جبران خسارتی که در آن زیان دیده در ورود آن قصد (و نه نقش) داشته است، مورد حمایت

اخلاق نباشد. می بینیم که در قرارداد های بیمه نیز راه حل هایی برای پیش گیری از چنین سوء استفاده هایی پیش بینی شده است. (بابایی، ۱۳۸۶: ۹۶)

هنگامیکه زیان دیده خود یکی از اسباب ورود زیان باشد و در این راستا شخص یا اشخاص دیگری نیز وجود داشته باشند که یکی از اسباب ورود زیان به شمار آیند، در حقوق گذشته ی غربی (کا من لا و حقوق فرانسه به تبعیت از حقوق رم قدیم). پیش از آنکه تقسیم مسوولیت را بپذیرند، یا زیان دیده را کاملاً از حق جبران خسارت محروم می کردند و یا نقش او را در ورود خسارت بی تأثیر تلقی می کردند و بعد از قرن بیست و یکم و با پذیرش تقسیم مسوولیت، امکان مسوولیت توأمان هر دو و تخفیف مسوولیت عامل زیان و دست یابی به بخشی از جبران خسارت برای زیان دیده فراهم شد، در حالیکه فقه اسلامی در چنین شرایطی از ابتدا قائل به تقسیم مسوولیت بوده است (اخلاقی، ۱۳۹۸: ۱۰۱ و ۱۰۲).

درست است که فقه اسلامی در تقسیم مسوولیت در چنین شرایطی نسبت به حقوق غرب پیشرو بوده است، لکن امروزه اخلاقی که باید منجر به پویایی فقهی شود، از غروب عقب مانده است. در حقوق غرب علاوه بر وجود رابطه سببیت زیان دیده، عمد نداشتن وی نیز از شرایط تقسیم مسوولیت است در حالیکه در حقوق اسلام تقصیر یا عمد زیان دیده چه قصد ورود زیان به خویش را داشته باشد و چه نداشته باشد، چه تقصیر داشته باشد یا تنها در ورود زیان نقشی بدون تقصیر داشته باشد، تأثیر واحدی بر مسوولیت عامل دیگر ورود زیان و همچنین حق مطالبه ی میزان مشخصی از جبران خسارت خواهد داشت. اگر زیان دیده در ورود خسارت به خویش قصد و عمد داشته باشد، گویی بطور ضمنی رضایت خود را نسبت به ورود خسارت توسط عامل دیگر ورود زیان که با او مشترکاً در ورود زیان نقش داشته است اعلام کرده است. یعنی اراده، اشتباه، تقصیر و حتی عمد عامل دیگر زیان در طول و راستای اراده و قصد و عمد و رضایت زیان دیده قرار گرفته است و عمل هر دو، مشمول قاعده ی اقدام برای زیان دیده است و سبب معافیت کامل مسوولیت مدنی عامل دیگر زیان خواهد شد. اما اگر زیان دیده تنها بر اساس اشتباه، تقصیر یا اقدامی که از روی قصد نبوده به خود مشترکاً با دیگری زیان رسانده باشد، نظریه ی تقسیم مسوولیت بر اساس میزان درجه ی سببیت و تقصیر اخلاقی و منصفانه است مگر اینکه میزان آن قابل تعیین نباشد و برای آسان شدن حل و فصل دعوا، حکم به تساوی مسوولیت داده شود و همچنین در جاییکه تقصیر و عدم تقصیر طرفین نیز مشخص نشود، حکم به تساوی داده می شود (نصیرپور، ۱۳۹۷: ۱۵). اگر با توجه به شواهد و قرآین باز هم نتوان درجات تقصیر را تعیین کرد، مسوولیت بطور مساوی تقسیم می شود (منتظری، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

عامل دیگری که اخلاق ما در پویایی فقه (نسبت به حقوق غرب) دچار عقب ماندگی شده است، در تعیین میزان مسوولیت و تقسیم آن است. در چنین شرایطی، فقه رویه ی مساوات مسوولیت را در پیش گرفته است (حیاتی، ۱۳۷۹: ۱۳۵) و در موارد اجمال و مجهولات نیز مساوات را اعمال می کند. قانون ما نیز از آن تبعیت نموده است و مغایر اصول اخلاقی است (بابایی، ۱۳۸۶، ۲۰۶ و ۴۰۶). در حالیکه در حقوق غرب، بر اساس نظریه ی تقصیر مقایسه ای، مسوولیت بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب در ورود خسارت سنجیده می شود که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر مورد، جداگانه بررسی و محاسبه می شود (حاجی زوار، ۱۳۸۹، ۱۳۷ و ۱۳۸).

-نتیجه گیری

اعتقاد به وجود مبنایی "واحد"، که توان تحت پوشش قرار دادن و حمایت از همه ی اشخاص، منافع و فعالیت های آن ها را داشته باشد و بتواند همگام با اجرای اخلاقی اصل جبران کامل خسارت، به حقوق زیان دیده و وارد کننده زیان توجه داشته

باشد، غیر ممکن است. علی رغم اینکه مبنایی که فاقد این اوصاف باشد، از عدالت، انصاف و اخلاق فاصله گرفته است. اگر چه خاستگاه اخلاق در مسؤولیت مدنی، در زندگی خصوصی افراد نمایان می شود، و نیز از منظر اخلاق، شرط اولیه ایجاد مسؤولیت، وجود اختیار، آزادی، اراده و عقل در انجام یا ترک افعال است، اما اخلاق در مبنا، شرایط و آثار آن نیز مستقیماً اثر گذار است، چنان که از جبران خسارتی که سبب مخدوش شدن چهره ی اخلاق در مسؤولیت مدنی شود، حمایت نمی کند.

تنوع روز افزون خسارات ها در سایه ی نیازها و اقتضائات جدید در روابط انسانی، سبب شده است که بپذیریم، مبانی مختلف در جهت تکمیل و رفع، تعدیل یا اصلاح ایرادات یکدیگر، برای هرچه اخلاقی تر بودن مسؤولیت مدنی، باید در کنار هم قرار گیرند (الجمع امها ممکن، اولی من الطرح) تا بتوانند قانون مسؤولیت مدنی را برای هر چه بیشتر اخلاقی بودن و رفع ایراداتی که به خاطر عدم چاره اندیشی و به روزرسانی این قانون وجود دارند، کمک کنند. چه اینکه یکی از وظایف قانون مسؤولیت مدنی، چاره اندیشی به هنگام، برای خسارت های نو ظهوری هستند که در جامعه در حال رواج هستند (مانند خسارت های ناشی از رواج ازدواج های عملی و آثار آن در ایران، و یا خسارت های ناشی از آلودگی های آب و هوایی که سبب ورود صدمات جبران ناپذیری در ایران شده است). به روزرسانی این قانون با توجه به تغییر مداوم نسبیت ها، متغیرها و نیاز های زندگی اجتماعی، ایراداتی را که مستقیماً در جریان اخلاقی خسارت ها و انتقال منصفانه ی با مسؤولیت، تاثیر گذار هستند را مرتفع خواهد کرد.

ایراداتی که سبب اتفاقی شدن جبران خسارت، جبران نشدن برخی خسارات و تضییع حقوق زیان دیده می شود و یا فراتر از این ایرادات، به امنیت فعالیت، پیشرفت اقتصادی، تولید و آزادی عمل فعالیت کنندگان، آسیب وارد می کنند و باید برای رفع آنها چاره اندیشی شود. مثلاً با در نظر گرفتن سایر وسایل جبران خسارت، ایراداتی مثل اتفاقی شدن جبران خسارت در معیار شخصی تقصیر را مرتفع کنیم، چه اینکه جبران خسارت، نباید سببی برای ایجاد مسؤولیتی غیر منصفانه برای غیر شود. هر کس قدر خسارتی که وارد کرده است، نه بیشتر و نه کم تر از آن، مسؤول آثار رفتار خویش است. اگر شایسته نباشد کسی را به لحاظ اخلاقی مسؤول بشناسیم، می توان برای جلوگیری از بوجود آمدن ایراد اتفاقی شدن یا جبران نشدن خسارت، به وسیله ی مسؤولیت های جمعی، صندوق ها، نهاد ها و بیمه اخلاقی بودن چنین وسایلی، باید گفت وقتی انتفاع از منافع زندگی اجتماعی حق همگان است و افراد برای انتفاع از فضای جامعه استفاده میکنند، هزینه چنین انتفاعی در یک جامعه ی اخلاق مدار، پرهیز از فرد گرایی غیر اخلاقی و پذیرش مسؤولیت های جمعی است، تا با دمیدن روح تعاون و هم بستگی در کالبد جامعه، آن را به سمت سعادت همگانی رهنمون سازد. در نظریه ی نوعی تقصیر، میتوان با افزودن قید "هم نوع بودن با فرد قیاس شونده" به "انسان متعارف و معقول"، ایرادی مثل همسنخ نبودن نوعی افراد قیاس شونده، با انسان متعارف و معقول را، که به قدر کافی تعریف نشده است و سبب شده است ایجاد مسؤولیت را منوط به انجام فعل قابل سرزنش اخلاقی کرده است، بخاطر قیاسی مع الفارغ در انتخاب معیار سنجش آن، از هدف اصلی خود فاصله بگیرد، تا حدودی رفع کرد. نظریه ایجاد خطر نیز، بخاطر نادیده انگاشتن تقصیر و در نظر گرفتن مسؤولیت محض عامل، تنها بخاطر کافی دانستن وجود رابطه سببیت یا نفعی که برده است در ایجاد مسؤولیت، از اخلاق فاصله گرفته است، اما اگر این مبنا را تعدیل کنیم و در کنار توجه وجود رابطه سببیت یا خطر در برابر انتفاع، به عناصری نظیر عدم هماهنگی و رعایت استاندارد های متناسب با فعالیت و ترک وظیفه ی مراقبت نیز توجه کنیم، اخلاقی تر است، چه اینکه مثلاً در کارایی نظریه ی خطر در برابر انتفاع، وقتی منفعتی بدست نیامده باشد و یا خسارت وارد شده بیشتر از منفعت حاصل شده باشد، مشکل وجود دارد و نیاز به بررسی اخلاقی مجدد دارد. همچنین در این نظریه، مطلق بودن "فعالیت خطرناک" و "ضرر"، در ایجاد مسؤولیت محض، نیاز به تعدیل دارد، زیرا بخشی از ضررهایی که از فعالیت های خطرناک مفید ناشی میشوند، غیر قابل اجتناع و لازمه ی زندگی جمعی هستند. به هر

روی، نمیتوان فواید اعتقاد به مسؤولیت محض و نقش آن را در تسهیل و تسریع روند دادرسی و همینطور افزایش سطح احتیاط و مراقبت اشخاص، در این نظریه نادیده انگاشت.

یکی از مسائلی که در انتخاب مبنا حائز اهمیت است، قابلیت اجرایی شروط مطالبه ی خسارت است. مثلاً شرط قابل پیش بینی بودن ضرر که به نظریه ی تقصیر بر میگردد، در نظریه ی ایجاد خطر که اثبات رابطه ی سببیت را برای ایجاد مسؤولیت کافی می داند، قابلیت اجرایی اش را از دست می دهد، حتی اگر چنین تفسیر شود که اگر ضرری قابل پیش بینی نباشد، رابطه سببیت میان ضرر و عامل ورود آن را مخدوش می کند.

شرط قابلیت پیش بینی ضرر، یکی از نشانه های پیوند عمیق اخلاق و حقوق است، اگر در این شرط، بار نقص دانش بشری و ناشناخته بودن علم یا بشر را در پیش بینی ضرر، به دوش زیان دیده بیفکنیم، سبب فاصله گرفتن این شرط از اخلاق شده ایم. یکی از مجاری ورود اخلاق به مسؤولیت مدنی نیز، بازگشت نظریه تسبیب به تقصیر است، در هنگامی که قاضی به تناسب مقتضیات هر پرونده، با عرف و اخلاق، میزان تاثیر و تقصیر هر سبب را تعیین می کند. رابطه ی سببیت، بخاطر اشکالاتی که در سببیت های متعدد، مجمل، مجهول، با واسطه، دور یا متأخر در تاثیر وجود دارد، در انتقال اخلاقی بار مسؤولیت و تشخیص منصفانه ی میزان مسؤولیت آنها، مشکل دارد و در اجرا نیز ممکن است، بخاطر وجود ملاحظات اخلاقی موجود در اعسار، اکراه، اجباری، متواری بودن سبب یا شباهت سبب انسانی با قوه ی قاهره، منجر به جبران خسارت نشود. عمومیت قاعده ی لا ضرر و اصل جبران کامل خسارت، ارتباطی دو سویه با تغییر ماهیت ضرر قابل جبران و گسترش مفهوم ضرر دارد، که تاثیر پدیده های نو ظهور، عرف جدید، فرهنگ و توسعه ی یک کشور قرار دارد. اثبات وجود زیان نیز وقتی اخلاقی است، که مفهوم ضرری که در صدد اثبات آن هستیم، به اقتصادی پدیده های نو ظهور، گسترش یافته باشد. نظیر ضرر های ناشی از فوت وقت، فوت منفعت، ضررهای معنوی و شخصی و یا ضررهای ناشی از دست دادن بخت دست یابی به نفع و دفع ضرر و از این قبیل؛ اگر قانون راجع به این ضرر ها ساکت باشد، سبب سلیقه ای شدن روند دادرسی و جبران خسارت در این موارد خواهد شد، هر چند که اگر قاضی رسیدگی کننده به چنین مواردی، اخلاق را رعایت کند، سبب می شود اخلاق از دریچه ی رویه ی قضایی، در مواردی که با سکوت قانون و منابع معتبر اسلامی و فقهی و عرف معروف و شرعی مواجه می شود، وارد مسؤولیت مدنی شود. اگر چه هدف هایی نظیر داشتن بازدارندگی کافی، توان برقراری نظم در جامعه در کنار تنظیم روابط انسانی، تسهیل جبران خسارت، توزیع ضرر، تحقق عدالت صوری و توزیعی و گرایش به سمت مسؤولیت های جمعی از اهداف آرمان گرایه و اخلاق مدار مسؤولیت مدنی است، اما غایت اهداف مسؤولیت مدنی در نهایت، اجرای اخلاقی اصل جبران کامل خسارت است، که برای اجرای آن، باید به خساراتی که جبران آنها اخلاقی هستند و انتخاب وسایلی که اخلاقی ترین نوع جبران خسارت را فراهم می کند، توجه داشته باشد. انتخاب وسیله ی جبران اخلاقی خسارت و اخلاقی دانستن مطالبه ی یک ضرر، رابطه ی مستقیمی با نسبیت های زمانی، مکانی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، عرفی، توسعه یافتگی شهری و اجتماعی و فرهنگی و باور های اخلاقی در یک جامعه دارد. چه اینکه جبران پذیری و تعیین وسیله ی جبران آن، از متغیر هایی هستند که با دگرگونی های زندگی انسانی، در دارو های اخلاقی، دگرگون می شوند و البته این دگرگونی، هرگز به معنی نسبیت خوبی و بدی در اخلاق نیست، بلکه نشانگر توانایی اعجاب انگیز اخلاق، در انطباق و همراهی اش با تغییرات اجتماعی و انسانی است.

منابع و مأخذ

۱. بردی زاده، نادر و منقوش، محمد (۱۳۹۶)، دامنه ی مسوولیت بیمه گر در قراردادهای بیمه در تجارت بین المللی، کنفرانس بین المللی رویکردهای پژوهشی در مدیریت اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، نروژ، اسلو.
۲. پارساپور، الف ر. باقری، الف. لاریجانی، ب. (۱۳۸۹) منشور حقوق بیمار در ایران. ویژه نامه مجله تاریخ و اخلاق پزشکی.
۳. جباری، غلام حسین (۱۳۹۲) بیمه های اجتماعی حمایت از گروه های کم درآمد، ماهنامه ی صنعت حمل و نقل شماره ی ۶۷.
۴. خدابخشی، ع. (۱۳۸۸)، حضور بیمه گر و صندوق تامین خسارت های بدنی در دعوی مسئولیت مدنی، فصلنامه صنعت بیمه.
۵. رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، مسوولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول
۶. سرباز، م. کیمیا، خ. (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی منشور حقوق بیمار در بین تعدادی از کشورهای پیشرفته و ارائه الگوی برای ایران. مدیریت اطلاعات سلامت. ۸
۷. سلیمانی، حسین علی (۱۳۹۵) چالش های حق بیمه قراردادهای، مقاله، مجله حسابدار، شماره ۱۷۱.
۸. سیفی زیناب، و. (۱۳۸۹)، معیار تشخیص وجود حسن نیت بیمه گذار و بیمه گر در قرارداد بیمه، مجله صنعت بیمه.
۹. سیفی قره یتاق، داود، حسنی، وحید، مهدی پور، محمد، (۱۳۹۴)، بیمه اجباری مسئولیت مدنی صاحبان کشتی در آلودگی های نفتی با تاکید بر کنوانسیون مسئولیت مدنی ۱۹۶۹ با اصلاحات بعدی، پژوهشنامه بیمه/ سال سی ام/ شماره ۱.
۱۰. صداقت، محمد مهدی، (۱۳۹۶) آشنایی با بیمه های تکمیلی درمان، تهران: انتشارات جنگل.
۱۱. عراقی، عزت الله، (۱۳۹۶) «حقوق تامین اجتماعی، حقوق کار و حقوق بین المللی کار»، دیدگاههایی در حقوق تامین اجتماعی (مجموعه مقالات)، (تهران: موسسه آهنگ آتیه)
۱۲. کاویانی، کوروش (۱۳۹۲) «ضمانت اجرای عدم پرداخت حق بیمه در سازمان تامین اجتماعی و راهکارهای اصلاحی»، فصلنامه تامین اجتماعی، سال نهم، شماره سی ام.
۱۳. کریمی، آیت (۱۳۹۰) بیمه های اموال و مسئولیت، جلد اول، انتشارات دانشکده امور اقتصادی تهران، چاپ دوم.
۱۴. مالداربادلی، زهرا و رستگار کولایی، کیوان و شفیعا، محمدعلی و مالداربادلی، ایمان، (۱۳۹۹) لزوم گذار از بیمه سنتی به بیمه الکترونیک، اولین کنفرانس و نمایشگاه تخصصی بیمه الکترونیک، تهران
۱۵. ناصری، حمید (۱۳۹۳) مسئولیت بیمه گذار و بیمه گر در بیمه های اموال، مقاله، مجله گواه، شماره ۲-۱.
۱۶. نصیرپور، اشرف (۱۳۹۷)، تحلیل روش های حل و فصل اختلافات در قراردادهای بیمه حمل و نقل دریایی داخلی و بین المللی، فصلنامه علمی- حقوقی قانونی یار - دوره دوم، شماره هفتم.
۱۷. نعیمی، عمران و پرتو، حمیدرضا، (۱۳۹۵) حقوق تامین اجتماعی در قراردادهای پیمانکاری، تهران، دادگستر.

۱۸. همتی مهدی، حسنی علیرضا، طاهری محسن. (۱۳۹۷) بررسی شیوه جبران خسارت در بیمه اسلامی (تکافل) و بیمه تکایی از منظر حقوق شهروندی. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۶۳-۱۲:۷۸
۱۹. اخلاقی، بهروز. (۱۳۹۸)، بحثی پیرامون توثیق بیمه نامه در اسناد تجاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۴.
۲۰. بابایی، ایرج. (۱۳۸۶)، حقوق بیمه، انتشارات تهران: سمت، ج ۶.
۲۱. حاجی زوار، ایمان (۱۳۸۹)، اصول بیمه، تهران: مؤسسه کتاب مهربان.
۲۲. حیاتی، محمد. (۱۳۷۹)، حقوق بیمه، بیمه مرکزی، ج.ا، تهران، ج ۲.
۲۳. صادقی نشاط، امیر. (۱۳۸۰)، حقوق بیمه، تهران: مؤسسه آموزش کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱.
۲۴. کریمی، آیت. (۱۳۷۷)، کلیات بیمه، بیمه مرکزی، ج.ا، تهران، ج ۳.
۲۵. مدنی کرمانی عارفه (۱۴۰۲). حقوق بیمه، تهران انتشارات مجد.
۲۶. شکوهی زاده، رضا، صادقی مقدم، محمدحسن رضوان، فرشاد (۱۴۰۱) حقوق بیمه: کلیات عقد بیمه نشر دانشگاه تهران.
۲۷. خروشی، عبدالعظیم (۱۳۹۲). حقوق بیمه تعهدات در بیمه های غرامت نوبت چاپ ۱، تهران نشر میزان.
۲۸. منتظری محمد مهدی (۱۳۹۳). نگاهی گذرا به حقوق بیمه نوبت چاپ اول. تهران انتشارات مجد.
۲۹. ملائکه پور شوشتری، سید محمدحسن (۱۴۰۲) بیمه مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس. نوبت چاپ ۲ تهران انتشارات مجد
۳۰. نجومی، عبدالعظیم (۱۳۹۷) نگرشی نو بر حقوق بیمه، نوبت چاپ ۲. تهران انتشارات میزان.

Evaluation of Traditional and Modern Compensation Methods in Insurance Contracts From The Perspective Of Private Law

Gholamreza Jahdmah¹, Aida Makhotare², Mohammad Javad Sami³

¹master's student, private law field, Apadana non-governmental and non-profit institution

²assistant professor of private law department, environmental law.

³Assistant Professor of the Department of Criminal Law and Criminology.

Abstract:

The current research was carried out with the aim of assessing the traditional and modern methods of compensation for damages in insurance contracts from the perspective of private law. The method of carrying out the research is descriptive and documentary. The findings showed that one of the most important principles governing the payment of damages in legal systems is the principle of compensation. Being the payment of damages. According to this principle, which is used both in the field of contract law and in the field of civil liability law, the payment of damages is intended to compensate the losses that have been caused to the claimant, not in the traditional way of punishing the breaching party or depriving him of the profit from the breach. has won a contract. This principle has several functions, including determining the type of damages that the injured party can receive and also limiting them. There are several effects on the latter function, among which the following can be mentioned: the claimant must have suffered a loss; Payment of damages should be based on the claimant's loss and not on the defendant's profit; The damage should not exceed the loss; Paying damages does not have a punitive aspect. The discussed principle has faced some challenges, but none of them have been able to face a serious problem with its validity.

Key words: traditional and modern methods, compensation, insurance contracts, private rights
